مخالفت برخی از اعاظم با صورت نیت ما فی الذمه در صوم یوم الشک

> **مسألة ١٧ : صوم يوم الشك يتصور على وجوه :**
>
> **الأوّل: أن يصوم على أنه من شعبان ، وهذا لا إشكال فيه سواء نواه ندباً أو بنية ما عليه من القضاء أو النذر أو نحو ذلك، ولو انكشف بعد ذلك أنه كان من رمضان أجزأ عنه وحسب كذلك.**
>
> **الثاني: أن يصومه بنية أنه من رمضان ، والأقوى بطلانه وإن صادف الواقع.**
>
> **الثالث: أن يصومه على أنه إن كان من شعبان كان ندباً أو قضاءً مثلاً وإن كان من رمضان كان واجباً، والأقوى بطلانه أيضاً.**
>
> **الرابع: أن يصومه بنية القربة المطلقة بقصد ما في الذمة وكان في ذهنه أنه إما من رمضان أو غيره بأن يكون التردد في المنوي لا في نيته ، فالأقوى صحته ، وإن كان الأحوط خلافه[1]**

علی‌ای حال بحث اصلی ما در این روایت هشام است که «یعنی» را به‌عنوان یک محتوای قابل‌قبول پذیرفتیم و در آن مناقشه نکردیم. لذا الآن با این فهم به‌دنبال فقه الحدیث می‌رویم. من عروه پنجاه حاشیه‌ای را دیدم؛ چهار نفر از اجلا ساادات و مراجع به فرض چهارم سید هم اشکال کردند. سید در یوم الشک چهار فرض را فرمودند؛ نسبت به‌سومی که خود سید هم فرمودند «اقوی بطلانه»، چهارمی را هم سید فرمودند اقوی صحت آن است، و ان کان الاحوط خلافه. فرض چهارم این بود: «ان یصوم بنیة القربة المطلقة و کان فی ذهنه...».

21:53

بین پنجاه نفری که در این عروه هست، چهار نفر در همین فرض چهارم –نیت قربت مطلقه- اشکال کرده‌اند. من یادداشت دارم. از مراجع بعد از آشیخ عبدالکریم، مرحوم آقای صدر و مرحوم آقای حجت کوه‌کمره‌ای می‌گویند اگر نیت قربت مطلقه هم بکند درست نیست. آقای صدر می‌گویند متعین

همان اول است. به گمانم این چهارزگواری خیلی به «لان السنة جائت» عنایت کردهاند که در فرض چهارم سید هم اشکال کردهاند. مرحوم آقای صدر، مرحوم آقای حجت، مرحوم حاج آقا تقی قمی، آسید عبدالهادی شیرازی. آسید عبدالهادی شیرازی فرمودهاند: «فی کونه أقوی نظر فلا یترک الاحتیاط.

(الشیرازی)[2]»؛ یعنی حتی اگر نیت قربت مطلقه بکند ایشان فرمودهاند معلوم نیست، احتیاط واجب این است که اعاده کند. خب چهار نفر از این اجلا قبول نکردهاند. حتی قربت مطلقه را. گفتند که روزه او اشکال دارد. تنها صورتی که قبول دارند به گمانم همین جمله است: «السنة جاءت في صیام علی أنه من شعبان». این نباشد خلاف سنت است. فلذا روزه محل اشکال میشود. حالا روزه به نیت «ان کان من شعبان، ان کان من رمضان» گرفته، نشد. «علی انه من شعبان» روزه گرفت، نشد. «علی انه من شعبان» یعنی به چه صورت؟ عمدا؟ سهوا؟ جهلا؟ همه را میگیرد. «السنة جائت علی انه من شعبان» تمام شد. اگر به این صورت بود روزه درست است، اگر نبود درست نیست. به احتمال زیاد آن بزرگواران ناظر به همین روایت هشام هستند که حتی در قربت مطلقه اشکال کردهاند. لذا این روایت نیاز دارد که تحلیل مفصلی در اقسامش انجام شود. چهار، پنج قسم در ذهن من هست که عرض میکنم، شما هم هر چه که به ذهنتان آمد در ادامه بحث به این وجوه اضافه کنید و ببینیم در مآل باید چطور جمعبندی کنیم.

---

[1] العروة الوثقی ج۲ ص۴۱۲

[2] العروة الوثقی فیما تعم به البلوی (المحشّی) ج۳ ص۵۳۷

بازبینی #1
ایجاد شده در 20 مه 2026 12:23:13 توسط ... .
به روزرسانی شده در 20 مه 2026 12:25:24 توسط ... .